



ترجمه متون مارکسیستی - لنینیستی (۷)

انحطاط، فساد و
ازهم گسیختگی همه جانبه
در کشورهای و احزابی که تحت
حاکمیت رونیونیست‌ها هستند

آزری پوپولیت - آلبانی

همراه با ضمیمه‌ی:

۶۶ برخی مفاهیم ضد مارکسیستی

رونیونیست‌های خروشچفی دربارهٔ

کار تولید اجتماعی زنان

دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دیجیتال کننده: نینا پویان

این کشورها و حکومتها در پی اصلاحات و تغییرات اساسی در نظام سیاسی و اقتصادی خود هستند و در این راستا با اتخاذ تدابیر مناسب و استفاده از تجربیات دیگر کشورها در پی تحقق اهداف خود هستند.

انحطاط ، فساد و از هم گسیختگی همه جانبه در کشورها و احزابی که تحت حاکمیت رویزیو- نیستها هستند

(اقتباس از " زری پوپولیت " سوم آوریل ۱۹۸۶)

در این کشورها و احزابی که تحت حاکمیت رویزیو- نیستها هستند، فساد و از هم گسیختگی همه جانبه در نظام سیاسی و اقتصادی خود مشاهده می شود. این کشورها در پی اصلاحات و تغییرات اساسی در نظام سیاسی و اقتصادی خود هستند و در این راستا با اتخاذ تدابیر مناسب و استفاده از تجربیات دیگر کشورها در پی تحقق اهداف خود هستند.

چاپخانه " نایم فراشری " ، تیرانا ، ۱۹۶۸

این کتاب در چاپخانه " نایم فراشری " ، تیرانا ، ۱۹۶۸ چاپ شده است. این کتاب در پی اصلاحات و تغییرات اساسی در نظام سیاسی و اقتصادی خود نوشته شده است و در این راستا با اتخاذ تدابیر مناسب و استفاده از تجربیات دیگر کشورها در پی تحقق اهداف خود نوشته شده است.

حزب کارآلبانی و تمامی مارکسیست - لنینیستها -
همواره تاکید کرده اند که خروشچفی ها ، تیتوئی ها و انواع
واقسام رویزیونیستها هیچ وجه اشتراکی با مارکسیسم -
لنینیسم نداشته ، بهیچوجه کمونیستها را نمایندگی نمی کنند
و از آرمان پرولتاریا و کمونیسم منحرف و مرتدوبه آن خائنند .
در اسناد مختلفی که بوسیله حزب و مطبوعات ما منتشر شد ، خیانتی
که رویزیونیستهای خروشچفی به اصول و آموزشهای اساسی
مارکسیسم - لنینیسم در همه شئون زندگی ایدئولوژیک ،
سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی کرده اند بوسیله حقایق
بیشماری نمایانده شده است . در نتیجه انحراف رویزیونیستها
مدرن از مواضع کمونیسم ، احزاب و نظام اجتماعی در کشورهایی
که این احزاب در قدرت می باشند کاملاً روبه انحطاط گذارده ،
احزاب به احزابی بورژوایی تبدیل شده اند ، در حالیکه
نظام اجتماعی در این کشورها هر روز که می گذرد بیشتر و بیشتر
ویژگیهای یک نظام سرمایه داری بورژوایی را بخود میگیرند .
این انحطاط بدیهی است و یکی از بارزترین خصوصیات تکامل
رویزیونیسم حاضر را تشکیل می دهد .

مادر این مقاله نه قصد بررسی انعکاس آن را در سطح
تجدید نظر در تئوری مارکسیستی - لنینیستی و مناسبات
بین المللی داریم ، نه قصد تجزیه و تحلیل تئوریک این
انحطاط را . در این باره مادر بسیاری از مقالات قبلاً نوشته ایم .
در این مقاله عمدتاً " به این مسئله که انحطاط بورژوایی
چگونه در محدوده اقتصاد ، در روش زندگی و در تشکیلات حزب
انعکاس یافته ، خواهیم پرداخت . واقعیات خودگونیا بند
وماتنها به واقعیات اشاره می کنیم . این واقعیات
بیشمارند و مانتنا بذکر بعضی از آنها انهم فقط در رابطه با

بعضی از کشورها و احزاب خواهیم پرداخت . ولی با این وجود ، این واقعیات برای نشان دادن نتایج مصیبت باری که جریان رویزیونیستی منجر بدان گردیده "کافی" می باشند .

۱

همانطوریکه تا کنون در موارد قبلی خاطر نشان ساخته ایم ، آنطورکه رویزیونیستهای مدرن در حال انجامش می باشند ، تبدیل تدریجی مالکیت سوسیالیستی به شکل بخصوصی از مالکیت سرمایه داری ، مضمون انحطاط اقتصاد سوسیالیستی می باشد ، که بعنوان یک منبع اغنای طبقه " بورژوازی جدید خدمت می کند ، طبقه ای که قدرت دولتی را در دستهایش قبضه کرده است و یک سیاست داخلی و خارجی ضد سوسیالیستی و ضد انقلابی را دنبال می نماید .

هدف اساسی کلیه اصلاحات اقتصادی انجام شده توسط رویزیو - نیستها ، اگر از یک دیدگاه اجتماعی ملاحظه شود ، چیزی جز قدرت بخشیدن به مواضع این طبقه بورژوازی نواخته از طریق توسعه اختیارانشان در اداره مالکیت " اجتماعی " و " تبدیل آنها به اربابان واقعی فعالیتهای اقتصادی " اجتماعی " و بالنتیجه ایجاد شرایط مساعد برای کسب منافع هرچه بیشتر برای خودشان بر اساس استثمار کارگران نمی باشد . و در این نهفته است معنی و مفهوم و نیت حقیقی تمام روشهایی که رویزیونیستهای شوروی ، چک ، لهستانی و سایر رویزیونیستها در زمینه اقتصاد ، مانند عدم تمرکز مدیریت اقتصاد ، تغییرات اعمال شده در سیستم برنامه ریزی ، معرفی اصل سوددهی بعنوان معیار اصلی فعالیت اقتصادی مفروض ، قیمت گذاری بسیاری از کالاها بر اساس تقاضای بازار ، جایگزینی اصل سوسیالیستی توزیع بر طبق مقیاس کار انجام شده بوسیله اصل سرمایه داری ، غنی شدن بهر طریق و با هر وسیله و غیره ،

که آنها در جاهای کار می کنند دریافت می دارند ،
۱۰۵۰۰۰۰-۲۹۴۰۰۰ دینار قدیمی در ماه حقوق می گیرند ،
۳۰۰۰۰۰ دینار قدیم هم برای هزینه سفر در ماه دریافت می کنند
و مخارج روزانه شان بالغ بر ۸۰۰۰۰ دینار قدیم در ماه می باشد .
(روزنامه " بویا " ، هشتم اکتبر ۱۹۶۶)
در همین زمان حقوق ماهیانه کارگران به ۵۰۰۰۰۰-۶۰۰۰۰۰ دینار
قدیم هم نمی رسد . بر طبق اطلاعات یوگسلاوها ، رؤسای
ارگانهای مرکزی حزب و دولت ، بدون احتساب حقوقشان بعنوان
نمایندگان ، در حدود ۴۰۰/۰۰۰ دینار یا بیشتر ماهیانه دریافت
می دارند . خود مطبوعات یوگسلاوی ما را مطلع می کنند که
در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک در یوگسلاوی تعداد
میلیونها ، یعنی اشخاصی که درآمدی بالغ بر ۲۰۰۰/۰۰۰ دینار
در سال داشته اند در سال ۱۹۶۷ دوبرابر شده است (" بویا
هشتم ونهم فوزیه ۱۹۶۸) .

وضعیت مشابهی در همه کشورهای رویزیونیستی غالب
است ، جاهایی که قشر ممتاز مدتهاست که هرگونه خصوصیت
پرولتری خود را از دست داده و یک زندگی تجملی نمونه وانگلی
بورژوازی را دنبال می کنند . منافع " قانونی " یکی
بورژوازی " سوسیالیستی " جدید از مالکیت " اجتماعی " می کند
اینچنینند . ولی آنها با زهم منافع بیشتری را از سوء مدیریت
یکجا بوسیله یک رشته حقه بازیها جیب می زنند . کافیست که
با دقت ستونهای مربوطه را در مطبوعات رویزیونیستی مطالعه
کنیم تا پی ببریم که در کشورهای رویزیونیستها بر آنها
حاکم می باشند چه قسمت‌های وسیعی توسط چنان پدیده‌های
شرم آوری چون غارت دارایی خلق اشغال شده است ، پدیده‌هایی
از قبیل استفاده از ابزار تولید دولتی بمنظور توسعه تولید

خصوصی تا جائیکه حتی بخشهای خصوصی به همین منظور ایجاد می کنند، فروش مخفیانه اجناس به قیمت های گزاف در بازارهای سیاه، دزدی و سوء استفاده از جانب اشخاصی که پستهای رهبری ابزار تولید متعلق به دولت را اشغال کرده اند، که بعضی اوقات به مقادیر عظیمی بالغ میشود. بدین ترتیب برای مثال در سال ۱۹۶۴ در ورشو اختلاسات گسترده ای در فروش گوشت وجود داشت و گزارش داده شده که در حدود ۱۵۰۰۰/۰۰۰ زلاتی

دزدیده شده بود. در سالهای بعد نیز مقادیر معتنا جهی دزدیهای مشابه اتفاق افتاد. کادرهای رهبری وزارتخانه های مختلف و ارگانهای حکومت و حزب و پرسنل مدیریت فعالیتهای اقتصادی در ورشو در این اختلاسات درگیر بودند. انعام، یک منبع متداول درآمد برای کسانی است که پستهای رهبری را در دست دارند. در کشورهای رویزیونیستی این یک قانون مدون نشده شده است که هیچکس نمی تواند بدون پیشنهاد رشوه کاری را بانجام رساند. حتی پلیسها و امنیه هایی که مشغول حفظ نظم عمومی میباشند رشوه می گیرند.

گستاخانه ترا ز همه بوجود آمدن یک طبقه کاملاً جدیدی از مردم می باشد که در دایره اقتصاد "سوسیالیستی" نمیگنجد، ولی مستقیماً در تجارت خصوصی زیاده روی می کنند. بسیاری از آنها سرمایه گذاری های خصوصی و کارگاههای برای تولید انواع و اقسام اجناس ایجاد می کنند. دیگران جهت ساختن ساختمان در شهرها و دهات سازمانهای خصوصی تاء سیس می کنند. تازه عده ای هم دست به بازکردن فروشگاهها، رستورانها و هتل های خصوصی می زنند، یا درگیر خرید و فروش بنگاهها و انواع معاملات تجاری هستند. بویژه تردد رایجی در دادوستد اجناس

غذائی ، اتوموبیل ، آپارتمان و کالاهای وارداتی متداول شده و بخاطرش یک بازار سیاه واقعی بوجود آمده است ، که در آن قیمتها چندین برابر قیمت رسمی کالاهاست .

دلالتن وقا چاقچیان همه جا مشاهده میشوند . روزنامه لهستانی " اکسپرس و یخورنی"^۵ در چهاردهم سپتامبر سال ۱۹۶۷ در مقاله ای درباره " گسترش قاچاق توسط توریستهای لهستانی متذکر شده است که در طول دو ماه ژوئیه و اوت سال ۱۹۶۷ در - مقایسه با دوره ای مشابه در سال ۱۹۶۶ ، تعداد موارد قاچاق تا ۲۰٪ افزایش یافته است . سال گذشته کشف شد که در مدت دو ماه در حدود نیم میلیون زلاتی توسط توریستهای لهستانی بمنظور تعویض آنها با پول رایج محل و بدین ترتیب خریدن اجناس مختلف ، به خارج از کشور قاچاق شده بود . روزنامه قضیه یک لهستانی را که سعی نمود ۱۲۰ پالتو و ۲۰۰ خودنوئیس را بارزش ۶۸۰۰۰ فورینت^۶ از مجارستان به لهستان قاچاق نماید ، قضیه یک توریست دیگر را که ۵۵۰ دست ورق بازی و ۴۰۰ جعبه داروهای ضد حاملگی قاچاق کرده بود ، همچنین قضیه یک مهندس لهستانی را که سعی کرد ۱۵۰ جفت سرپائی مخصوص کنار دریا و مقادیر زیادی زیرپوش زنانه را از جمهوری دمکراتیک آلمان به لهستان قاچاق کند ، و موارد دیگری را ذکر می نماید . گزارشهای مشابهی از دهها توریست دیگر لهستانی که از بلغارستان ، یوگسلاوی و شوروی بازگشته اند داده شده است . از این نظر بین توریستهای روسی ، چک ، یوگسلاو و توریستهای دیگر تفاوتی وجود ندارد . اگر ما قاچاق در مقیاس وسیعی که بوسیله توریستهای بیشمار غربی که بداخل کشورهای رویزیونیستی سرازیر شده اند و حتی اسلحه ، سموم و مواد مخدر قاچاق می کنند را اضافه کنیم . جدول بسیار تیره تر میشود .

تجارت خصوصی بمقیاس وسیعی نه تنها بصورت غیرقانونی بلکه حتی بصورت قانونی وبتشویق خوددولت در تمام کشورهای رویزیونیستی انجام میشود که در آنجا میتوان احیای مشخص بخش خصوصی را در صنعت ، پیشه و تجارت مشاهده کرد. اول - سپتامبر روزنامه لهستانی " تریبونالودو^۷ " نوشت که در سه ماه دوم سال جاری در مقایسه با دوره مشابه در سال ۱۹۶۶ ، تعداد کارگاههای پیشه وری ۱۲۰۰۰ واحد جدید افزایش یافته کلا" به ۱۵۰۰۰ کارگاه رسیده است در حالیکه تعداد اشخاصیکه در این بخش مشغولند ۱۰٪ افزایش یافته و به ۲۸۹۰۰۰ نفر رسیده است . در خلال دوره فوق الذکر شوراهای خلق^۸ بالغ بر ۸۰۰ جواز بنام اشخاص خصوصی برای باز کردن کارگاههای جدید صادر کردند در مقایسه با ۳۳۳ جوازی که در دوره مشابه در سال ۱۹۶۶ داده شده بود. در خلال همین دوره به اشخاص خصوصی حدود ۱۷۸۰۰۰/۰۰۰ زلاتی اعتبارات بلند مدت و - میان مدت توسط دولت داده شده بود، یعنی ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ زلاتی بیشتر از آنچه که در دوره مشابه در سال ۱۹۶۶ پرداخت شده بود. بنا بر اطلاعات آماری لهستان ، ارزش تولیدات صنایع داخلی خصوصی در سال ۱۹۶۶ حدود ۴۲٪ بیش از ۱۹۶۰ افزایش یافت .

با رزترین نمونه گسترش بخش خصوصی بوسیله یوگسلاوی تیتوئی بجای گذاشته شده که راه رشد را به تمام کشورهای دیگری که باندهای رویزیونیستی در آنها بر سریر قدرت نشان میدهد. امروزه در سراسر یوگسلاوی ، احیای بخش خصوصی در کنار مهاجرت بخارج از کشور ، بعنوان روش موثری جهت مبارزه با بیکاری مزمن که بیماری حادی برای اقتصاد سرمایه داری یوگسلاوی شده تبلیغ میشود. رقم بیکاری

بنا بر اطلاعاتی که بوسیله خود مطبوعات یوگسلاوی ارائه شده به مرز ۳۰۰/۰۰۰ نفر رسیده است. بمنتظر داشتن یک ایده تقریبی از گسترش مالکیت سرمایه داری خصوصی در یوگسلاوی کافی است بیاد آوریم که بنا بر آمار یوگسلاوی از سال ۱۹۶۴ در جمهوری صربستان^۹ حدود ۱۵۰/۰۰۰ کارگاه خصوصی وجود داشت و در بلغراد به تنهایی تعدادشان به ۵۰۰۰ میرسد. در اسلوونیا^{۱۰} نزدیک به ۱۳۰۰ رستوران بصورت خصوصی اداره میشود. امروز این بخش نسبت وسیعتری بدست آورده است. خود مطبوعات یوگسلاوی فاکتهای متعددی دال بر استثمار بیرحمانه کارگران در این فعالیتهای اقتصادی خصوصی منتشر نموده اند. در مقاله منتشره دوم اوت ۱۹۶۷ روزنامه "ریلنجا"^{۱۱} نوشت "در ناحیه کمون میتروویکا^{۱۲} ۳۱۴ کارگاه خصوصی مشغول بکارند. در این کارگاهها توجه قلبی به بهداشت و کیفیت محصولات و خدمات میشود. ... بدتر از همه اینست که کارگران بوضع بس غیر انسانی استثمار میشوند (۱۲). ... برای این قبیل کارگران هیچ برنامه کاری و تضمین وجود ندارد. کوچکترین اشتباه مستمسک خوبی است برای صاحب کارگاه که آنها را اخراج کند". آژانس مطبوعاتی یوگسلاوی تانجاگ^{۱۳} در تاریخ ۱۱ مارس ۱۹۶۸ از نوی ساد^{۱۴} گزارش داد که در یو دینا^{۱۵} حدود ۱۰۰/۰۰۰ کارگر بوسیله کارفرمایان خصوصی مورد استثمار قرار گرفتند.

مالکیت خصوصی بوسیله رویونیستها بویژه در بخش کشاورزی تشویق میشود و شکل غالب مالکیت در نواحی روستایی یوگسلاوی ولهستان است. در لهستان فقط ۳ درصد زمین اشتراکی شده است. ۱۱ درصد متعلق به مزارع تحت تصاحب دولت است، در حالیکه ۸۶ درصد زمین املاک خصوصی است.

در اتحاد شوروی اخلاف ن . خروشف روشهایی برای وسعت بخشیدن به قطعات شخصی که تحت تملک اعضاء و کارمندان تعاونیهای کشاورزی بود بکار گرفتند . در نتیجه این روشها بگفته مجله روسی " مسائل اقتصادی ۱۶ " (شماره ۱۰-۱۹۶۶) ، وزن - مخصوص قطعات شخصی ۱۷ درصد کل محصولات کشاورزی کشور را تشکیل میدهد . در سال ۱۹۶۶ ۶ درصد کل محصول سبزی ، ۴۰٪ - گوشت ، ۳۹ درصد شیر و حدود ۶۸ درصد کل مقدار تخم مرغ در قطعه زمینهای شخصی تولید شده بود . ولی این همه ما جران نیست . امروز در اتحاد شوروی پروژه های گوناگونی مورد بحث قرار می گیرند که بمنظور اجرای آنها تکه تکه کردن املاک اشتراکی و اجاره شان به گروههایی از کارگران و خانواده های انفرادی در نظر گرفته میشود .

واضح است که تحت چنین شرایطی یک پروسه شدید تفکیک طبقاتی در مناطق روستایی و تقویت مشخص و ازدیاد قشر کولاک بایستی در کشورهای رویزیونیستی تکوین یابد . این پروسه از طریق یک سری قوانینی که بوسیله دولتهای رویزیونیستی اعمال میشوند ، از طریق قوانینی که به کولاکها امکان خریداری آزادانه زمین از دهقانان ، استثمار کارگران کشاورزی و دریافت اعتبارات و انواع و اقسام تجهیزات کشاورزی از دولت را داده ، مورد علاقه قرار گرفته و ترغیب می گردد .

از زمانی که هشتمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کارگران متحد لهستان گومولکا ۱۷ بیانیه زیر را صادر کرد :

" بمنظور تقویت حق مالکیت در میان دهقانان (یعنی کولاکها ، نویسنده) ، ضروری است که محدودیتهای موجود در رابطه با خریداری زمین و حق وراثت آن که در برگیرنده زمینهای

است که تحت عنوان اصلاحات ارضی و طـرح
اسکان مجدد دهقانان در سرزمینهای غرب بآنـان
داده شده برداشته شوند".

در نتیجه این جهت گیری تنها در سالهای ۶۵-۱۹۶۰ ، بدون
در نظر گرفتن قطعه زمینهای که بوسیله خود دولت بفروش رسید ،
۸۲۴۰۰۰-۳۸۵/۰۰۰ هکتار زمینهای قابل کشت بوسیله دهقانان
بفروش رفت . قطعات بزرگ زمین در خلال سالهای ۶۷-۱۹۶۶ نیـز
بفروش رفته اند . تمام این زمینها بوسیله زمینداران بزرگ
و کولاکها خریداری شده اند .

و . گومولکا^{۱۸} تمام نهاد های را که بمنظور محدود کردن
فعالیت های کولاکها در نظر گرفته شده بودند بشدت نقـض
کرده و بطور پیگیریک سیاست تشویق و ترغیب همه جانبـه
مزارع کولاک ها را بعنوان یکی از راههای اساسی افزایش
محصولات کشاورزی تعقیب کرده است . بمنظور دستیابی بـه
یک ایده ء دقیق از اینکه این مزارع کولاکي به کجا ها کـه
کشیده نمی شود ، بعنوان مثال مورد تا یکز^{۱۹} سرمایه دار ارضی بزرگ
رانقل می کنیم : تا یکز که مالک ۲۵ گلخانه که مساحتی
برابرسه ونیم هکتار زمین در بخش کالیز^{۲۰} ناحیه لودز^{۲۱} را در
برمی گیرد و برابر با شصت تا هفتاد میلیون زلاتی ارزش دارد میـ
باشد . او در یک رابطه عالی با دولت قرار دارد و یکی از اعضای
کمیسیون دولتی تثبیت قیمتهاست ، و دولت برای وی در استفادـه
آزمایشینهای باربری مخصوص و قطار برای حمل محصولاتش
در لهستان و خارج ، به اتحاد شوروی و سایر جاها ارجحیت قائل
می شود .

سیاست اقتصادی رویزیونیستها ، پروسه احیای سرمایه -
داری بیش از پیش بردوش توده های زحمتکش و عمدتاً " طبقه "

کارگر سنگینی میکند. گویا ترین نشانه این زندگی رنج آور شد مداوم بهای کالاهای مختلف بویژه بهای محصولات غذایی است. سال گذشته لهستان شاهد یک میانگین ۱۶ درصد افزایش در قیمت گوشت و محصولات گوشتی بود. در بلغارستان، از شروع ژانویه امسال، قیمت مواد چربی دار، گوشت، سبزیجات و میوه جات، بهای ذغال سنگ و چوب و غیره ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافت. و علیرغم وعده های عوام فریبانه که از دیاد سرسام آور قیمتها با افزایش دستمزد مردم زحمتکش همراه خواهد بود معذرتاکنون هیچ قدمی در این جهت برداشته نشده است. راه رویونیستی در توسعه اقتصاد، تبدیل آن به سرمایه داری با ظهور خود همه ظواهر زشتی را که توأم با توسعه اقتصاد سرمایه داری است به همراه آورده است: بیکاری، هرج و مرج در تولید و رقابت های خشونت بار، در نتیجه مشکلات رویونیستها با مشکلات بیشماری روبرو هستند. این مشکلات در مناسبات اقتصادی بین کشورهای رویونیستی نیز بخصوص در قالب کمیتهء کمکهای متقابل اقتصادی منعکس گردیده است.

در این سازمان که بتدریج تمام ویژگیها و خصایص سازمانهای بین المللی سرمایه داری از نوع بازار مشترک را بخود گرفته است تضادهای کشورهای شرکتهای شرکت کننده در آن روز بروز حادثر میشوند. رویونیستهای شوروی خواهان آنند که سایر کشورها، آنجا که رویونیستها حاکمند، کاملاً وابسته به اتحاد شوروی بوده و بمثابه بازارهای برای صنعت شوروی خدمت کنند. از جانب دیگر هر یک از دولت های عضو می کنند که از یک طرف تا آنجائی که می توانند از اتحاد شوروی و سایر شرکایش بهره برداری کنند و از طرف دیگر تا آنجا که امکان

دارد در توسعه روابط اقتصادی با کشورهای سرمایه داری آزاد باشد. در حقیقت امر هر یک از کشورهای با یستی مبالغ سرمایه گذاری شده اش را افزایش داده و بازاری برای فروش کالاهایش تاء مین نماید. قطع تجارت با جمهوری خلق چین ورقابست سرمایه دولتهای بزرگ در کشورهای توسعه نیافته مسائل و مشکلات بیشماری برای کشورهای رویزیونیستی ببار آورده است. تحت شرایط واقعی دارودسته های رویزیونیستی نهاییست کوشش خود را برای فریب یکدیگر و بردن سودهای کلان بحساب دیگران و تعقیب راهی که هر یک فکرمی کنند به بهترین نحو از آن بهره خواهند برد عمل میاورند.

راهی که با مسیروایدئولوژی آنها مطابقت می کند ، راه همکاری هرچه نزدیکتر با امپریالیستهای مختلف ، با بورژوازی بین المللی و بدین طریق حتی فروختن روحشان به دشمنان کمونیسم است. نمونه آن گذشته از دارودسته تیتوئی ها بوسیله دارودسته برژنف - کاسیگین نشان داده شده است. این گروهها معاهده های بیشماری با ایالات متحده آمریکا ، ژاپن ، ایتالیا ، فرانسه ، انگلستان ، بلژیک آلمان غربی و سایر کشورهای سرمایه داری منعقد کرده اند که موارد آن بعنوان مثال موافقتنامه هایی است که با فیات ، رنو ، رولز رویس و سایر شرکتها برای ایجاد کارخانه های اتوموبیل سازی و غیره در اتحاد شوروی با مضاء رسیده است. قراردادهای منعقد شده با انحصارات سرمایه داری ژاپنی برای استثمار منابع طبیعی سیبری شرقی و غیره و ذالک نیز از آن جمله اند. همانطور که خروشچف در زمان خود وعده میداد ، به کشورهای امپریالیستی و انحصارات بزرگ سرمایه داری در حال حاضر تضمین های صد درصد داده شده است که سرمایه های خود

را در محل درست سرمایه گذاری کنند و خاطرشان جمع باشد که سودها و بهره های همه جانبه ای دریافت خواهند کرد. در تعقیب ردپای بجای گذاشته شده توسط رهبری شوروی، ما همچنین ناظر رویزیونیستهای سایر کشورها هستیم که امروز در راه همکاری های اقتصادی و همه جانبه ضد مارکسیستی گامهای هرچه فراتری برمیدارند. آژانس خبری چکسلواکی "ستکا"^{۲۲} در هیجدهم ژانویه سال جاری صراحتاً نوشت: "چکسلواکی در توسعه تجارت با "بازار مشترک" بر پایه صادرات و واردات با کشورهای این بازار منافع مشترک دارد". همچنین روزنامه لهستانی "تریبونالودو"^{۲۳} مدتها پیش در سال ۱۹۶۵ نوشت: "لهستان آماده است که در مقیاس وسیعی اشکال مختلف کمکهای دوجانبه را در زمینه تشریح مساعی و زمینه تکنولوژی مورد توجه صنایع آلمان غربی و سایر کشورهای غربی توسعه دهد. در چهارچوب این جهت گیری لهستان یک سری کامل از قراردادهای مورد توجه سرمایه داران را برای همکاری در تولید منعقد کرده است. که در میان آنها قرارداد منعقد شده بین شرکت لهستانی "سکوپ"^{۲۴} و شرکت آلمان غربی "کروپ"^{۲۵} برای تشریح مساعی در صادرات دستگاههای تولید شکر به بازارهای آمریکای لاتین و آفریقا قرار دارد.

این راه همه رویزیونیستها علیرغم انگیزه های اعلام شده آنها و طریقه ایست که در جهت ایجاد این رابطه ها با امپریالیستها بکار میگیرند بعضی از آنها با تاکید باینکه آنها "خودمختار" و "مستقل" هستند آشکارتر عمل می کنند، بعضی دیگر با تظاهر باینکه می خواهند روابط و بسنن قدیمی را با آلمان فدرال، فرانسه و غیره و ذالک احیا کنند تحت

پوشش عمل می کنند. ولی ماهیت کار تغییر نمی کند. راه خیا -
نتکارانه رویزیونیستی، کشورهای را که تحت سلطه رویزیونیسم -
نیستها هستند بجای جزایجا در روابط نزدیک و مستقیم با
بورژوازی بین المللی هدایت نمی کند. این راه بجای بجز
سقوط هرچه عمیقتر اقتصاد این کشورها به زیر چرخهای اقتصاد
سرمایه داری جهانی و قرار دادن آنها در کشمکش ها و رکودهای
بیرحمانه سرمایه داری جهانی منجر نمی شود.

۲

جریان انحطاط بورژوازی بسرعت درزمینه فرهنگ، هنر،
آئین و در طریقه زندگی نیز توسعه می یابد. روز بروز متممات
کردن توسعه زندگی فرهنگی و طریقه زندگی در اتحاد شوروی و سایر
کشورهایی که در آنجا رویزیونیستها حاکمند از توسعه زندگی
فرهنگی و طریقه زندگی در کشورهای سرمایه داری غربی مشکلتر
میشود. بدنبال یک زندگی آسان و تنبل مآبانه بودن، گسترش
فیلمهای منحنی، موزیک و ادبیات از نوع بورژوازی و تقلیدی راه
زندگی هرزه و اراغرب بصورت یک پدیده روزانه در حیات این
کشورها درآمده است.

جریانهای منحنی بورژوازی گوناگون در ادبیات و هنر،
که خودخواهی و فردگرایی، اومانیزم بورژوازی و پاپسیسم
را موعظه می کنند و ایدئولوژی سوسیالیستی و نظام سوسیالیستی
را بدجلوه میدهند، جای ادبیات و هنر انقلابی را که از ایده های
کمونیسم الهام میگیرند گرفته اند. سالنهای نمایش هنرهای
تجسمی حالا بانقاشی ها و مجسمه های تجریدی، امپرسیونیستی
و پورنوگرافیک پر شده اند. روی صفحات تلویزیون، پرده های
سینما، فیلمهای غربی، بازنهای لخت و کانگسترهای وحشی -
شان هر روز جای بیشتری را اشغال می کنند. قسمت قابل
توجهی از ۳۳۰ فیلمی که در سال ۱۹۶۶

بوسیله تلویزیون لهستان پخش گردید فیلمهای غربی بودند که ۷۶ فیلم آن فقط فیلمهای آمریکائی بودند. بنا بنوشته روزنامه " زایس وارساوی ^{۲۶} از ۵۱ فیلمی که در تاریخ هفدهم ژانویه روی پرده سینماهای ورشو بودند ۳۹ فیلم آن از کشورهای غربی و در میان آنها ۱۸ فیلم ساخت آمریکا وجود داشت. و این نسبت، دائمی است. در تلویزیونهای یوگسلاوی فیلمهای غربی بطور مطلق اکثریت دارند.

این تمایلات و گرایشات نسبت به هنر و فرهنگ منحصراً بورژوازی از حمایت بلاواسطه دارودسته رویزیونیستی حاکم بهره مند میشوند. در مقاله ای نوشته یو. بورین ^{۲۷} منتشره در روزنامه " لنینگرادسکا جاپراودا ^{۲۸} " در دسامبر سال گذشته، نویسنده تمام کسانی را علیه این انحطاط صحبت می کند " خطرناک و مضر " خواند.

در اتحاد شوروی و سایر کشورهای رویزیونیستی، ترتیب دادن نمایشهای مدبا شرکت مؤسسات بازرگانی و مانکنها کشورهای سرمایه داری اکنون بصورت یک پدیده روزمره درآمدده است که در آنها جدیدترین مدهای پاریس، رم یا لندن بنمایش گذارده میشوند. یک نمایش مدهم اخیراً " دراوت سال گذشته، در پارک " سوکول نیکی ^{۲۹} " مسکوا افتتاح شد و همزمان با آن در قصر ورزش " لنین " یک فستیوال مدنی اجرا گردید. بنای بدعوت رهبران رویزیونیست شوروی، در حدود ۱۲۰۰۰۰ موسسه بازرگانی مداز بیشتر از ۲۰ کشور شامل آمریکا، اتحاد شوروی، فرانسه ژاپن، ایتالیا و آلمان غربی در آن فستیوال و نمایش شرکت جستند و مانکنهایی نیز انواع کامل سبکهای ساخت غرب را نمایش دادند بهمین مناسب علاوه بر این یک ارکستر جاز سبک آمریکائی بخصوص از آمریکا به مسکو فرستاده شد. آرایشگران

زیادی از بزرگترین سالنهای "زیبائی" آمریکا برای نمایش
آخرین مدآرایش مونیفرستاده شدند. یک روز پس از نمایش
"بهترین متخصص آرایش موی" آمریکا و ترتیب دهندگان
روسی نمایش مد جزوه کوچکی که در آن "هنر زیبائی مدرن
آمریکا" را توضیح داده بودند منتشر کردند. نمایش بالغ بر
۶۰ نمایش مد در قصر ورزش "لنین" خیلی نفرت انگیز بود. با
صدای ملودیهای احمقانه موزیک جاز "دختران مدرن" و مانکن-
هایی از آمریکا، بریتانیا، فرانسه و اتحاد شوروی یک نمایش
"پرشکوه" اجرا کردند. قبل و بعد از نمایش، فیلمهائی که
مدها و "شب نشینی" های پاریس را تبلیغ می کردند دیده
می شدند. نمایش مد و فستیوال بوسیله تعداد زیادی از رهبران
رویزیونیست شوروی مانند جی. آی ورونوف^{۳۰}، دی. اس -
پولیانسکی^{۳۱}، ک. ت. مازارف^{۳۲}، ا. ن. شلپین^{۳۳} و سایرین
بازدید شدند. دو روز بعد از اختتام نمایش ن. ن. تارا سف^{۳۴}
صدر کمیته ترتیب دهنده نمایش و وزیر صنایع سبک اتحاد جماهیر
شوروی سوسیالیستی یک کنفرانس ویژه مطبوعاتی ترتیب داد که
در آن وی با پروئی تمام اعلام کرد که دعوتنامه های ارسالی
به موسسات بازرگانی سرمایه داری و خانه های مد کشورهای غربی
برای شرکت در نمایش مد مسکو در جهت "رفاه بشر"، "توسعه
روابط بین المللی در زمینه اقتصاد، تکنولوژی و فرهنگ"
و تحکیم "پیشرفت" و "صلح جهانی" بوده است.
بدنبال نمونه کشورهای سرمایه داری، مسابقات
زیبائی در تعدادی از کشورهای رویزیونیستی بطور مرتب بمنظور
انتخاب "ملکه زیبائی" کشور برای شرکت جستن در مسابقات
بین المللی انتخاب "دختر اروپا" و "دختر شایسته جهان"
برگزار میگردد.

همراه ودست بدست " مینی ژوپ " ، درکشورهای
رویزیونیستی ما شا هدگسترش بمقیاس وسیع موسیقی ورقصهای
غربی ، جاز توئیست و غیره هستیم . سازمانهای کمومول ۳۵
خودشان امروزه نمایش مدوکنسرتهای جاز را ترتیب می دهند .
مدتی پیش " کمومولسکا یا پراودا ۳۶ " نوشت که " انکار
موفقیتهای کسب شده توسط موزیسین های جاز شوروی در اتحاد
شوروی و سایر جاها امکان ندارد " . کمومول " تا آنجا نیکه
بتواند در این مورد از کمک دریغ نمی کند زیرا در کشور ، زمینه
مساعی برای رشد آن وجود دارد " . روزنامه مزبور امکان
موجود برای جوانان روسی را جهت گسترش چنان نوع موسیقی
نشان میدهد ، همانطور که در فستیوالهای موسیقی جاز که همه
ساله در شهر تالین ۳۷ ، در استونیا ۳۸ ، در لنینگراد ، مسکو
و در برنامه هایی که رادیو پخش می کند نشان داده میشود .
کمومولسکا یا پراودا می گوید " اما این کفایت نمی کند " . آنچه
ما احتیاج داریم کنسرت های جاز و علاوه بر آن صفحات گرامافون
است " . سال گذشته یک فستیوال بین المللی جاز در پراگ
برگزار گردید .

تاء شیرشدیدی در این جهت بوسیله توریستهای خارجی
ایکه همه ساله به کشورهای رویزیونیستی مسافرت می کنند
و تعدادشان فزونی دائم التزایدی یافته است ، بجای گذارده
میشود . اغلب اوقات صحنه های بزرگترین مراکز تفریحی در این
کشورها صحنه نمایش جدیدترین " موفقیت ها " در مد ، رقص
و موسیقی برای هزاران تماشاچی میشود . در توضیح مخمصه ایکه
رویزیونیستها جوانان را در آن انداخته اند یک کمونیست
قدیمی که در یک کشور رویزیونیستی زندگی میکند در حال صحبت
از سه پسرش که مشغول دنبال کردن تحصیلات متوسطه و دانشگای

خود هستند میگوید: " من هیچگاه تصور نمی کردم که فرزندانم بدین طریق آموزش و پرورش یابند، برایم هیچ چاره ای بجز جدا شدن از آنها باقی نمانده بود زیرا آنها هیچ چیز دیگری بجز ضبط موسیقی غربی روی ضبط صوتهای خود، رقصیدن جدیدترین رقصها، دنبال دخترها افتادن و افراط در فعالیتهای اوباش ما بانه خود بلد نیستند."

در کشورهایی که حاکمیت رویونیستها برقرار است دست در دست گسترش فرهنگ منحط بورژوازی، مردم روز بروز بیشتر بوسیله تریاک مذهب مسموم میشوند. همه جا میتوان شاهد تجدید حیات ایدئولوژی مذهبی و توسعه هر چه بیشتر فعالیت مؤسسات مذهبی بود. مطابق آمار که بوسیله مطبوعات شوروی تهیه شده است نتیجه گیری میشود که در بخشهای مختلف کشور اجرای مراسم مذهبی در ده سال گذشته از ۲ برابر به ۳ برابر افزایش یافته است. درآمد سالانه کلیساهای ارتدکس در بخش مسکوبتنهایی بالغ بر شش میلیون روبل میشود. کارگاههای کلیساهای سالیانه ۱۸ میلیون شمع فقط برای بخش مذکور تولید می کنند. چاپخانه شوروی برای ادبیات سیاسی "پلیتیز-دات ۳۹" در سال ۱۹۶۶ برای اولین بار بعد از انقلاب اکتبر چاپی در صد هزار نسخه از قسمتهایی از کتاب انجیل و تورات را به معرض فروش گذاشت. ک. ای چاکوفسکی^{۴۰} نویسنده بسهم خود مشغول انتشار قسمتهایی از انجیل برای کودکان و نوجوانان است.

رویونیستها در حال حاضر در دسرهای زیادی را برای پیدا کردن جنبه های مثبت و آرمانهای مشترک ایدئولوژی مذ-هبی با سوسیالیسم تحمل می کنند. در اوت ۱۹۶۴، در شماره ۲۱ مجله شوروی "زاروبژم ۴۱"، صاحبه بشیرعلی^{۴۲} رهبر

رویزیونیست الجزایر با روزنامه رویزیونیستی ایتالیایی
"اونیتا" ۴۳ انتشار یافت که طی آن گفته بود: "قرآن
و حدیث (تفسیر شفاهی قرآن) شامل دستورالعملهایی هستند
که با ماهیت انقلاب سوسیالیستی مطابقت می کنند". او میگوید:
"بنابراین ما بسوی سوسیالیسم می رویم درحالیکه قرآن را در
یک دست و "کاپیتال" را در دست دیگر داریم". یک رهبر
رویزیونیست اسپانیا با این گفته که: در اسپانیا "آنها
برای سوسیالیسم می جنگند درحالیکه داس و چکش را در یک دست
و صلیب را در دست دیگر گرفته اند" عبارت فوق را بطرز
دیگری بیان می کند. ایدئولوگ رویزیونیستهای فرانسه، روزه
گا رودی ۴۴ "درکوش خویش برای پیدا کردن مبنای تئوریک
جهت این مواضع ترمعروف مارکس را که "مذهب برای مردم
تریاک است" ولنین آنرا بطوریکه بخوبی مشهود است بمثابه
"اساس کل جهان بینی مارکسیستی در رابطه با مذهب"
مشخص کرده است "غلط" و "از نقطه نظر مارکسیستی نابالغ"
اعلام کرده است. دقیقاً "در این استدلال ضدامارکسیستی میتوان
علت ملاقاتهای راکه گاه بگاه توسط صدر دولت شوروی، پاد-
گورنی و سایر مقامات مهم با پاپهای رم بعمل می آید
تعقیب نمود.
یک سیاست برجسته ضدامارکسیستی در موضعی که نسبت به
مذهب گرفته شده است در لهستان تعقیب میشود. مضمون این
سیاست تسلیم شدن در مبارزه علیه ایدئولوژی مذهبی و ترغیب
آنست.
درحالیکه قبل از جنگ جهانی دوم در لهستان ۲۸۰۰۰ کشیش، -
راهب و راهبه وجود داشتند، این رقم امروزه ۵۰۰۰۰ نفر
رسیده است. درحالیکه قبل از جنگ فقط ۲۵۷ کلیسا وجود

داشت اکنون تعدادشان ۱۳۰۰۰ کلیسا است . تعداد صومعه های موجود از ۲۲۰۹ در قبل به ۳۴۴۰ در حال حاضر رسیده است . تعداد دیرها (مراکز اداری مذهبی) از ۵۱۲۵ به ۵۹۲۹ - رسیده است و تعداد اسقف ها از ۴۶ نفر قبل از جنگ به ۶۹ اسقف در حال حاضر رسیده است . امروزه در لهستان ۴۸ مدرسه مذهبی با ۴۰۰۰ دانش آموز ، یک دانشگاه عمومی در لوبلین^{۴۵} با ۱۳۷۵ دانشجو و آکادمی الهیات کاتولیک در ورشو با ۱۴۱ دانشجو مشغول بکارند . در سمینارهای مذهبی لهستان کیشهای آموزش دیده ای وجود دارند که نه تنها برای لهستان بلکه برای اعزام بعنوان میسیونر به سایر ممالک تربیت شده اند . و در حقیقت چنین میسیونرهای به اندونزی ، برزیل ، آرژانتین ، هندوستان ، گینه نو و سایر کشورهای گسیل گردیده اند . اکثریت قابل توجهی از کمونیستها و کادرهای حزب و دولت کورکورانه به عقاید تعصب آمیز مذهبی اعتقاد دارند و بطور منظم به کلیسا میروند ، در تمام جشنهای مذهبی شرکت جسته و تعطیلات مذهبی را شکوهمندانه جشن می گیرند . موسسات مذهبی لهستان مقادیر زیادی نشریات منتشر میکنند و صلیب و تمثال و تندیس و غیره تولید کرده و از طریق عمده فروشی بفروش میرسانند . در آلمان کلیساها از محل اعانات مؤمنین ، از محل انتشار کتب مذهبی و فروش آثار مقدس مذهبی گذشته از املاک متنوع کلیسا به بلیونها زلاتی در سال بالغ میشود . کلیسا در لهستان تنها در زمینه ارضی مالک ۲۰۰۰۰۰ هکتار زمین است که به رقمی بیشتر از زمینهای اشتراکی بالغ میشود . از آغاز سال ۱۹۵۶ ، زمانیکه خط مشی رویزیونیستی در لهستان روی دست سائیرین بلند شد ، فراگیری مذهب در مدارس جزء تحصیلات عمومی گنجانده شد .

ویژه ای جهت مبارزه با جنایات شدند که سودی نبخشید !
رفتارهای او باش صفتانه و جنایت وقایع روزمره
لهستان نیز هستند گروههای او با شان و جنایتکاران ، که در -
آنها اغلب فرزندان وزراء ، فرزندان اعضاء کمیته مرکزی
حزب و سایرین دست دارند مشغول دزدیدن ، غارت و چپاول ، حمله
و تجاوز به زنان و دختران ، بچه دزدی ، کتک زدن مردم در -
خیابانها ، وارد کردن جراحات و حتی کشتار مردم هستند . مطابق
آمار رسمی حکومت ، در خلال سال ۱۹۶۰، ۲۸۲۲۴ مورد کیفری که
بوسیله جوانان زیر سن قانونی ارتکاب شده بود به دادگاهها
ارجاع شد ، در حالیکه در سال ۱۹۶۵ این تعداد به ۳۷۱۷۸ فقره
افزایش یافت .

اوضاع در چکسلواکی و سایر کشورهای رویزیونیستی بهتر از این
نیست .

فساد اخلاقی و فحشاء ، گسترش وسیعی در کشورهای کسبه
تحت حاکمیت رویزیونیستها هستند یافته اند . زنان ولگرد
آشکار و غیر آشکار ، ایستگاههای قطار و اتوبوس ، پارکها ،
درهای ورودی تئاترها و سالنهای نمایش فیلمهای سینمایی
را پر می کنند . نمونه برجسته آن که بوسیله روزنامه
کومسوملسکا یا پراودا تشریح شده است مورد دختر ۱۹ ساله ایست
که برای صدمین مرتبه توسط ارگانهای پلیس احضار شده است ،
وی با سری افراشته بعنوان اعتراض به پلیس گفت که وی هیچ
حرفه ای ندارد لیکن در یک شب می تواند ۱۰۰ دلار آمریکائی
بجیب بزند . او پلیس را با جملات زیر تهدید نمود :

"میدانید چه کسی با من بیرون می رود؟ یک
خبرنگار روزنامه که آمریکائی است و فردا یک اعتراض
شدید تقدیم وزارت امور خارجه خواهد کرد."

خرنگاران ارگانهای مطبوعاتی در مسکو در دسامبر سال
گذشته یکی دیگر از نمونه های نفوذ طریقه زندگی منحط
سرمایه داری در اتحاد شوروی را با اشتیاق زیادی توصیف
می کردند. این نمونه درباره افتتاح یک کارخانه
کانگستری در ویلنا^{۴۸} پایتخت لیتوانی^{۴۹} بود که مطابق
الگوی پاتوقهای تفریحاتی غرب ساخته شده بود. روز افتتاح
آن از یک دختر خواننده آخرین مدفرانسوی دعوت بعمل آمد
که به همراه یک دختر هنرمند لیتوانیائی بخواند.
از طریق انحطاط اخلاقی و نشر ایدئولوژیهای بورژوازی
و مذهبی بمقیاس وسیع، رویزیونیستهای خروشچفی می کوشند
هرگونه آثار انقلابی را از میان توده های زحمتکش بروبند،
آنها میکوشند که از نظر ایدئولوژیک طبقه کارگرو نوجوانان
را با انحطاط بکشانند تا بتوانند مایه موریت خیانتکارانه
خویش، بنیانگذاری مجدد سرمایه داری را بانجام رسانند.

۳

رویزیونیستهای خروشچفی در راه خیانتکارانه شان هرچه
راکه مارکسیستی - لنینیستی و انقلابی است در احزابی که
تحت سلطه آنهاست کنار گذاشته اند. این احزاب به احزاب
بورژوازی، به احزاب رفورمیست در چهارچوب نظم بورژوازی
تبدیل گردیده اند. انحطاط ایدئولوژیک و سیاسی آنها،
همچنین از هم گسیختگی سازمانی ایکه این احزاب را کوه
تمام استانداردها و اصول لنینیستی حاکم بر زندگی حزب را کنار
گذاشته اند میفرساید، مشهود است.

از زمان غصب رهبری حزب و دولت در اتحاد شوروی و در سایر
کشورهای رویزیونیستی، رویزیونیستها یک سری کامل ارزشهای

مختلف را بکار گرفته اند، تا تمام کادرهای مصمم انقلابی را از ارگانهای پیشرو رهبری از مرکزی گرفته تا محلی از میان برداشته و اشخاصی را که وفادار به خط رویزیونیستی هستند جایگزین آنها نمایند. در نتیجه برای مثال، هفتاد درصد اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که در نوزدهمین کنگره سال ۱۹۵۲ انتخاب شدند در لیست اسامی بیست و دومین کنگره در سال ۱۹۶۱ هیچ گونه نقشی ندارند. مشابه "حدود شصت درصد اعضای کمیته مرکزی منتخب در کنگره بیستم در کنگره بیست و سوم در سال ۱۹۶۶ از لیست حذف گردیدند. از این گذشته تغییرات وسیع تری در ارگانهای پائینی حزب بوقوع پیوسته است. در خلال سال ۱۹۶۳ بتنهائی پنجاه درصد اعضای کمیته های مرکزی مرکزی جمهوری ها و بخشهای مختلف اتحاد شوروی تعویض گردیدند، از طرف دیگر در کمیته های ایالتی و محلی سه چهارم اعضا حذف گردیده و تعویض شدند.

در ارگانهای رهبری حزب، ما شاهد یک کاهش مشخص تعداد کارگران و کلخوزیان و جایگزین شدن آنها بوسیله تعدادی تکنیسین و متخصص هستیم. این ارگانها در حقیقت کاملاً بدست بوروکراسی و تکنوکراسی شوروی، بعبارت دیگر بدست قشر ممتازی که امروز در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی حکومت میکنند افتاده است. مطابق اطلاعات خود مطبوعات شوروی اشخاصی که این قشر را تشکیل میدهند در حدود ۶۶٪ اعضای کلیه ارگانهای رهبری حزب و از ۱/۱ تا ۹۷/۶ درصد دبیران کمیته های حزبی را در همه سطوح تشکیل میدهند. (نشریه "کمونیست" شماره ۱۵، ۱۹۶۷)

رویزیونیستهای شوروی نه تنها گامهایی برای از میان برداشتن کادرهای مصمم و استوار برداشته اند بلکه مشابه برای پاکسازی و تصفیه کمونیستهای خلل ناپذیر در سازمانهای

بنیادی نیز از هیچ کاری دریغ نکرده اند. اگرچه رویزیو-
نیستها آمار مستقیمی در این باره نمی دهند، مع هذا از مقایسه
آمار منتشر شده در شماره فوق الذکر نشریه " کمونیست " نتیجه
میشود که در خلال دهه اول ژانویه ۱۹۵۶ تا اول ژانویه ۱۹۶۶ -
یک میلیون نفر از اعضاء حزب کمونیست اتحاد شوروی اخراج
گردیدند. یعنی حدود یک دهم کلیه عضویت های حزب در سال
۱۹۶۶، و حدود یک ششم عضویت های حزب در سال ۱۹۵۶. هم زمان
در خلال آن دوره دروازه های حزب چهار طاق بروی هر نوع از -
افراد باز بود: در حالیکه در عهد بیستمین کنگره در سال ۱۹۵۶ -
حزب کلا " ۷/۱۷۳/۵۲۱ نفر عضو و کاندید داشت، در یکم ژانویه
۱۹۶۷ تعدادشان به ۱۲/۶۸۴/۱۴۳ نفر رسید. بطوریکه خود نشریه
تصدیق میکند، تعداد اعضاء با یک ارشدیت دو ساله رویهمرفته
۴۸/۳ درصد کل عضویت های حزب را تشکیل میدهد. مجدداً " بر
طبق نشریه " کمونیست " از زمان کنگره بیستم تا زمان
کنگره بیست و سوم، ۵/۸۶۴/۰۰۰ نفر بعنوان اعضاء حزب
مورد قبول واقع شدند، که حدود تقریباً " نیمی از آنها یعنی
بالغ بر دوونیم میلیون از آنها روشنفکران و متخصصین در رشته-
های مختلف صنایع بودند. آمار فوق بوضوح نشان میدهد که
رویزیونیستها از یک طرف دروازه های حزب را بمنظور از هم گسیختن
آن و کاهش دادن کمونیستها و بلشویکهای قدیمی به یسار
اقلیت، چهار طاق باز کرده اند، در حالیکه از طرف دیگر،
آنها با قبول هر چه بیشتر روشنفکران و متخصصین تا آنجا که امکان
دارد، سعی در مردود ساختن خصلت طبقاتی حزب می کنند.
چنین حزب " تمام خلقی " برای مقاصد خائنانه آنها
بسیار مناسب تر است.

تغییرات مشابهی در مقیاس وسیع بوسیله سایر
گروه های رویزیونیستی نیز با اجرا گذاشته شده اند بطوریکه

در گزارش به سومین کنگره حزب کارگران متحده استان که در -
مارس ۱۹۵۹ برگزار گردید خاطر نشان گردیده است ، در نتیجه
ممیزی اعضاء و اعضاء کاندید حزب ، ۲۱۰۰۰۰ عضو کاندیدی
عضویت از لیست حزب حذف شدند ، یعنی یک ششم کل عضویت حزب
در آن زمان " . یک پاکسازی و تصفیه در رابطه با تعویض کارت -
های عضویت قدیمی با جدید در دست اجرا است . به همراه این
برنامه ده درصد اعضاء حزب ، حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر ، بطور فردی
در مورد مشخص کردن موضع سیاسی شان مورد سؤال و جواب واقع
گردیده اند . تصفیه و پاکسازی وسیعی نیز در مورد کارکنان
حزب بمورد اجراء گذاشته شده است . گوملکا در یک گردهمایی
مجمع عمومی کمیته حزبی ناحیه ای ورشو ۵۰ اعلام کرده بود
که : " در حدود ۵۰ نفر از پست دبیری ، کمیته های ناحیه های
حزب حذف گردیده اند " . اگر در نظر بگیریم که در لهستان ۱۹ ناحیه
وجود دارد نتیجه می شود که ۳ دبیر از هر یک از کمیته های حزبی
اخراج گردیده اند ، بعبارت دیگر ، تغییراتی تقریباً
در کل رهبری حزب در نواحی بوجود آمده است . این پروسه
بعدا " نیز ادامه یافت . از آن گذشته مواردی موجود
بوده است که طی آن اشخاصی که عضو حزب نبوده اند بمقام
دبیری انتساب گردیده و پس از آن در خود حزب پذیرفته شده اند .
نمونه ای در این زمینه بوسیله خود گوملکا ، موقعیکه
روزنامه نگار نامیوت کیویکزا را که عضو حزب نبوده عنوان منشی
شخصی خود در کمیته مرکزی منتسب کرد بچای گذاشته شده است .
در خلال سالهای حکومت رویونیستها در لهستان نیز
درصد تعداد کارگران در حزب تنزل کرده و در صد و شش نفران افزایش
یافته است . در حالیکه در خلال سالهای ۱۹۴۵-۱۹۴۶ کارگران
۶۱ و ۶۴ درصد اعضاء حزب را بترتیب تشکیل میدادند ، در کنگره

سوم درصدشان به ۴۱ و در چهارمین کنگره برگزار شده در سال ۱۹۶۴ به کمتر از ۴۰ درصد تقلیل پیدا کرده است .
روزنامه بلغرادی " پلیتیکا ۵۲ " مورخه ۱۱ مارس ۱۹۶۸ همچنین مینویسد که در بیست سال گذشته ، از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۶ ، در حالیکه تعداد کارگران در اتحاد کمونیستی یوگسلاوی ۵۲ تنها پنج برابر شده است ، تعداد مقامات رسمی پانزده برابر گردیده است .

رویزیونیستها درهای احزابشان را بروی عناصر بورژوا و خرده بورژوا ، بروی بوروکراتها و منسب جویان گشوده اند . در یک کشور رویزیونیستی دوره های آزمایش و کارآموزی کاندیدا های عضویت در حزب را به این بهانه که " آگاهی سوسیالیستی ، تحصیلات و فرهنگ عمومی با اندازه کافی افزایش یافته است ... " کاملاً کنار گذاشته اند . در نتیجه در آن کشور از هر چهار ده نفر یک نفر عضو حزب است . تنها در یک دوره چهار ساله ، در فاصله میان دو کنگره اخیر ۱۱۰/۷۴۴ عضو جدید به عضویت حزب پذیرفته شده اند که در میان آنها قسمت بزرگی را متخصصین و روشنفکران تشکیل میدهند . این رقم معادل با یک ششم کل عضویت حزب است .

مطبوعات رویزیونیستی شوروی خود مجبور است قبلاً کند که امروز از هم گسیختگی تشکیلاتی و انحطاط حزب سراسری است . در نتیجه در روزنامه " پراودا " به مناسبت انتخابات و کنفرانسهای ناحیه ای برای حسابرسی ، میخوانیم که " از میان ۵۴۳ نماینده ای که برای قطعی در میتینگهای انتخاباتی شرکت جستند ، ۴۵۸ نفر اعتبارنامه دریافت کرده اند ، در حالیکه در پروتوکل کمیته رای گیری تعداد شرکت کنندگان در میتینگ ۵۰۹ نفر اظهار شده است . "

"پراودا" اذعان دارد که در خواندن رای های "برلسه" و "برعلیه" تحریفاتی موجود بوده است. روزنامه "پراودا" اغلب اوقات برعلیه فعال سازی محدود کمونیستها در میتینگهای مختلف نیز شکایت کرده، حتی مینویسد که "موقعیکه مسائل مختلف تحت آزمایش و بررسی قرار می گیرند، همیشه همان اشخاص قبلی هستند که در بحث شرکت می جویند". در میتینگ یک سازمان پایه ای، روزنامه فوق الذکر مینویسد که فقط ۴۷ نفر از ۸۵ عضو سازمان حاضر بودند.

بی سازمانی و از هم گسیختگی تشکیلاتی در حزب رویزیو - نیستهای ایتالیا نمونه بارزی است. بطوریکه در اسناد یازدهمین کنگره برگزار شده در سال ۱۹۶۶ خاطرنشان شده است. از آغاز سال ۱۹۵۴ تعداد اشخاصی که در حزب ثبت نام کرده اند همراه با کاهش متعاقب فعالیتهای آنان و نزولی در سطح ایدئولوژیک سیاستشان و غیره و ذالک کاهش یافته است. امروزه در این حزب کاملاً طبیعی شده است که هسته های حزبی فعالیت نکنند، هیچ نشانی از انضباط پرولتری باقی نمانده است، در حقیقت تنها چیزی که از اعضای حزب انتظار میرود اینست که در انتخابات به حزب کمونیست ایتالیا رای دهند، حق عضویت خود را بپردازند و هر چند وقت یکبار در یکی از میتینگهای حزب شرکت جویند.

وضعیت مشابهی هر روز بمقیاس فزاینده ای در حزب رویزیونیستهای فرانسه نیز مشاهده میشود. در نتیجه خط مشی آپورتونیستی آن صفوف حزب شروع به تحلیل رفتن کرده اند. در حالیکه در سال ۱۹۴۶ حزب کمونیست فرانسه ۹۰۰/۰۰۰ عضو داشت، نزدیک به اواخر ژانویه سال ۱۹۶۵ فدراسیونها رویهمرفته ۴۰۵۰۰۰ الی ۴۸۲۰۰۰ کارت عضویت برای صدور

از کمیته مرکزی برداشت کردند. آریستوکراسی کا رگسری کارمندان و انواع روشنفکران امروزه صفوف حزب را پر می کنند. بیشتر هسته ها گاه ماهها را بدون برگزار کردن حتی یک گردهم آیی پشت سر می گذارند و موقعیکه گردهم جمع میشوند تعداد شرکت کنندگان حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد اعضای ثبت نام شده دور میزنند. بنابراین برای مثال، در کروز ۵۴ ۷۰ هسته در خلال یکسال تمام هیچ میتینگی برگزار نکردند. رهبران رویزیونیست فرانسه مجبور شده اند که این وضعیت امور را تصدیق کنند. ژرژ مارش ۵۵ دبیر کمیته مرکزی در امور تشکیلاتی در یکی از کنفرانسهای حزب اذعان می دارد که "تشکیل جلسات هسته ها هر روز مشکل تر و شرکت جستن کمونیستها در آن با گذشت هر روز محدودتر میگردد". روزنامه "اومانیت ۵۵" در نقدی بر این اوضاع نوشت:

"علت اصلی غیبت حزب در فعالیتهای سازنده را باید در کم ارزش گذاردن به اهمیت حضور حزب در فعالیت یافت، در این واقعیت که رفقا لزوم حزب و فعالیتهایش را درک نمی نمایند". اکنون کاملاً دانسته شده است که رویزیونیستهای ایتالیائی، فرانسوی و سایرین مدتهای مدیدی است که با درآمیختن احزابشان با سوسیال دموکراتها در "احزاب متحد" کذایی، قدم در راه تحلیل کامل احزابشان نهاده اند. و اگر کسانی هنوز این کار را نکرده اند، علتش عدم علاقه از جانب رویزیونیستها نبوده بلکه علت آن خودداری از جانب سوسیال دموکراتهاست. بدین دلیل که چنانچه همه علائم نشان میدهند، برای بورژوازی این کشورها بهتر است که یک "اپوزیسیون کمونیستی" را بطور ذخیره نگهداری کنند تا در ساعت مناسب

از آن بطور موء ثرا استفاده نمايند .

بدون اغراق مي توان اظهار كرد كه احزاب رويزيونيستي در كشورهاي سرمايه داري براي بقاي تشكيلاتيشان بريسك دستگاه شديدا " بوروكراتيكا اتكا مي كنند . اين دستگاه از - مدها كا در درارتباط با حزب نه بخاطر آرمانهاي انقلابي بلكه بسادگي از نظر ملاحظات اقتصادي تشكيل گرديده است . - احزاب رويزيونيست بعنوان مثال فرانسه وسايرين ، در واقع به تراستهاي اقتصادي عظيمي تبديل شده اند . آنها مالك تعداد زيادي موء سسات تجاري هستند كه بعنوان واسطه براي فروش مال التجاره هاي شوروي ، چكسلواكي ، لهستان وسايرين كار مي كنند . از طريق معاملات مشابه سودهاي قابل توجهي بدست مي آورند كه بوسيله آن كل دستگاه حزبي را اداره مي - كنند و حقوق كارگزاران بشمارشان را مي پردازند . دقيقا " از محل اين درآمدها ونه از محل حق عضويت هاست كه حزب رويزيونيست فرانسه مي تواند از عهده خرج تجملات طرح ايجاد مقر جديد كميته مركزيشان ، با مخارجي معادل پانصد ميليون فرانك قديمي برآيد . فعاليت اقتصادي احزاب رويزيونيست درميان ساير عوامل ، يكي از فاكترهايي است كه اين احزاب را قادر مي سازد كه " همبستگي " خود را با رويزيونيستهاي شوروي ، چك ، لهستاني وساير رويزيونيستها حفظ كنند .

اين همچنين دليل اينست كه چرا گردانندگان اين احزاب آلت دست رويزيونيستها شده اند و كورگوران به آنها خدمت مي كنند . آنها همچنين از محل قراردادن ارگانهاي مطبوعا - تيشان در اختيار كمپانيهاي سرمايه داري براي تبليغ کالا - هایشان بهمان نحوي كه مطبوعات بورژوايي عمل مي كنند سودهاي زيادي بدست مي آورند .

تخطی از تمام اصول لنینیستی و نقض تمام قوانینی که به حزب پرولتری انضباط می بخشد، نابودی وحدت را که هیچگاه نمی تواند در یک حزب رویزیونیست وجود داشته باشد بعنوان یک نتیجه غیرقابل اجتناب بدنبال خود با رمان آورده است. فقدان وحدت، اختلافات و تضادها حتی در بطن رهبری رویزیونیستی در کشورهای مذکور با نیروی هر چه فزاینده تری ظهور می کنند. این بوسیله یک سری کامل از حقایقی که اکنون بطور جهانی توسط افکار عمومی جهان شناخته شده مشاهده گردیده است. در اتحاد شوروی زوال ن. خروشچف و بقدرت رسیدن گروه برژنف - کاسیگین - میگویان^{۵۷} و بعد از آن بر کناری میگویان از رهبری و جایگزینی شلپین^{۵۸} و غیره. دریوگسلاوی سقوط جناحی رانکوویچ^{۵۹}، تمام تعینات، کشمکش بین جریانهای مختلف ناسیونالیستی برای قدرت و - دسیسه و توطئه هایی را که برای مدت مدیدی از اوان دارودسته تیتو خا موش گردیده بود ظاهرا ساخت. در چکسلواکی، تفرقه ها و تقلا برای قدرت در میان جریانهای بینهایت راست، در - میان " میانه رو" ترها، ناسیونالیست ترها، یا آنها ئیکه زیر سلطه رهبری رویزیونیستهای شوروی بودند با نیروی فوق - العاده ای منفجر گردید. بر کناری نووتنی^{۶۰} از مقام دبیر - اولی حزب و از مقام ریاست جمهوری با وقایع طوفانی دیگری همراهی شد. طرفداران نووتنی و خط رویزیونیستی اش هر روز بدون انجام تشریفات اخراج شده یا تحت فشار موج مخالفینشان " استعفاها یشان را تسلیم می کنند". همه مرتدین و خائنین از کوئیزلینگز^{۶۱} و سیاستمداران بورژوا گرفته تا کارگزاران مشهور امپریالیسم و دشمنان سوسیالیسم، اسلنسکی^{۶۲} و سانتبگراد (C) مجدداً با سرعت زیادی مشغول پیشروی

هستند . احزاب بورژوازی و خرده بورژوازی گوشه‌ایشان را تیز کرده اند و تقاضای آزادی عمل وسیعی را می‌کنند . سازمانهای جوانان ، سازمانهای دانشجویان و دانش‌آموزان ، نویسندگان روزنامه نگاران و سایرین آشکارا تقاضای " استقلال " از حزب را دارند . آرمانهای " دموکراتیک " بورژوازی و خط نزدیکی با غرب آشکارا اظهار میشوند .

یک کشمکش حاد بخاطر قدرت در حزب لهستان بین انواع مختلف رویزیونیستها ، طرفداران یا مخالفین گومولکا جریان دارد . اخیرا " این کشمکش آشکارا از طریق تظاهرات دانشجویی ، برخوردشان با پلیس که با دستگیری جمعی همراه بود به نقطه انفجار رسید . تعداد زیادی از مأمورین عالی‌رتبه از مقامها - یشان برکنار گردیده اند .

همچنین برهیچکس پوشیده نیست که بویژه پس از مرگ تولیاتی^{۶۳} ، در رهبری حزب کمونیست ایتالیا یک کشمکش دائمی بخاطر قدرت بین انواع مختلف جریانهای رویزیونیستی ، مانند گروه لانگو^{۶۴} ، گروه آمندولا^{۶۵} ، گروه اینگرا^{۶۶} و گروه " چپی ها " جریان دارد . در سایر احزاب رویزیونیستی نیز وضعیت مشابهی برقرار است .

وجود این افتراقها و اصطکاکات و این کشمکش برای قدرت تهی از اصول ، درون رهبری رویزیونیستی ، نه تنها با ماهیت فردگرایانه ، خودخواهانه و ناسیونالیستی ایدئولوژی رویزیونیستی رابطه دارد ، بلکه با شکستهای مفتضحانه ناشی از خط رویزیونیستی در همه زمینه‌ها نیز بی‌رابطه نمی‌باشد . این نتیجه مقاومت و مبارزه انقلابیون این کشورها ، نتیجه مبارزه اصولی عظیم احزاب مارکسیستی - لنینیستی برای افشای خیانت رویزیونیستهاست . حقیقتی

که رویونیست‌ها را وادار ساخته که گاه بگاه تاکتیک‌ها،
متدها و سرعت تکامل خود را تغییر دهند.

دارودسته‌های رویونیست ب منظور حفظ قدرت خود،
سرکوب کردن مخالفت انقلابیون و ناراضایتی توده‌های خلق،
بطور گسترده‌ای مانند تمام ستمگران از روش قاضی عسگری
و جلادی استفاده می‌کنند. از یک طرف ب منظور فریفتن توده‌ها
نگهداشتن آنها در ظلمات، ب منظور در معرض فروش قرار دادن -
خیانت رویونیستی ب آنان بعنوان مارکسیسم - لنینیسم
خلاق و احیای سرمایه داری بعنوان سوسیالیسم " دمکراتیک"
تا سرحد کشتن آگاهی و اراده آنان و منحرف کردن آنها
از هرگونه فعالیت انقلابی، در هوچیگری و عوام‌فریبی
افراط می‌کنند، از طرف دیگر روشهای سرکوبگرانه شدید
بر علیه هر کسی که جرئت کند بر علیه آنها بپا خیزد بکار
می‌گیرند. دستگیرشان می‌کنند، تبعیدشان می‌کنند، ب
اردوگاه‌های کار اجباری اعزامشان می‌کنند یا آنها را " دیوانه"
خوانده و برای معالجه به مؤسسات روانی می‌فرستند،
همانطور که به بدترین نحو، بامهندس روسی اوزاکین^{۶۷} و -
افراد زیاد دیگری رفتار گردید. جریانات قضائی پشت
درهای بسته که رویونیست‌ها جرئت صحبت آشکار درباره آنها
را ندارند کمیاب نیستند.

لیکن علیرغم عوام‌فریبی و روشهای سرکوب‌کننده‌ای که
رویونیست‌ها بکار می‌گیرند. مقاومت و مبارزه بر علیه
آنها در حال فزونی است و سرسختانه بر شد خود ادامه میدهد،
بیشتر و بیشتر محتوای متشکل بخود گرفته و نهایتاً " ویژگی
یک انقلاب واقعی را می‌یابد، انقلابی که رهبری خیانتکارانه
رویونیست‌ها را از صحنه روزگار محو خواهد کرد. طبقه کارگر

کشورهای که تحت سلطه رویزیونیستها هستند بیدار شده و بدرگه -
این حقیقت تلخ نائل خواهند شد و پیشاپیش همه توده های
زحمتکش قرار می گیرند تا ضربه کاری را بردارودسته های
رویزیونیست وارد کرده ، سوسیالیسم را حفظ و حراست نمایند
و دیکتاتوری پرولتاریا را مجدداً " ایجاد نمایند .
امروزه ، تقریباً " در تمام کشورهای سرمایه داری و رویزیو -
نیستی ، گروههای جدید مارکسیست - لنینیست بوجود آمده اند
که پرولتاریای واقعا " انقلابی بصوفشان می پیوندند . اگرچه
هنوز جوان و کوچکند ، آینده ای بزرگ و ماء موریتی عظیم
و تاریخی جهت انجام دارند . شرایط ایجاب می کند که آنها
رشد کرده و صفوفشان را قدرت بخشند ، رشد کرده و چون مارکسیست -
لنینیستها آبدیده شوند ، نفوذشان را در میان طبقه کارگر
بسط داده و آنها را بسوی نیروهای انقلابی رهنمون کنند
و مبارزه خلق ها را علیه امپریالیستها و رویزیونیستها
مدرن برای پیروزی مارکسیسم - لنینیسم ، برای پیروزی
انقلاب و سوسیالیسم رهبری نمایند .

- 1- Nowa Huta
- 2- Z loty
- 3- Federal Skupschina
- 4- Borba
- 5- Express Wieezorny
- 6- Forint
- 7- Trybuna Ludu
- 8- People's Councils
- 9- Serbia
- 10- Slovenia
- 11- Rilindja
- 12- Mitrovica
- 13- Yougoslav Press Agency Tanjug
- 14- Novi Sad
- 15- Viovodina
- 16- Economical Problema
- 17- Polish United Worker's Party Gomulka
- 18- V. Gomulka
- 19- Tyecz
- 20- Kalisz
- 21- Lodz
- 1- Committee for Mutual Economic Aid
- 22- Ceteka
- 23- Trybuna Ludu
- 24- Cekop
- 25- Krupp
- 26- Zice Warszawy
- 27- U. Borin
- 28- Leningradskaja Provda
- 29- Sokolniki
- 30- G.I. Voronov
- 31- P.S. Poliansky
- 32- K.T. Mazurov
- 33- A.N. Shelepin
- 34- N.N. Turasov
- 35- Komsomol
- 36- Komsomolskaya Pravda
- 37- Estonia
- 37- Tallin
- 38- Estonia

39- Soviet Publishing House for Political

Literature "Politiydat"

- | | |
|------------------------------------|---------------------|
| 40- K.I.Chukowsky | 56- Humanite' |
| 41- Za Rubezhom | 57- Mikoyan |
| 42- Bashir Ali | 58- Shelepin |
| 43- Unita | 59- Rankowich |
| 44- Roger Garaudy | 60- Novotny |
| 45-Lublin | 61- Quislings |
| 46- Irkutsk | 62- Slansky |
| 47- Moscow News | 63- Togliatti |
| 48- Vilna | 64- Longa |
| 49- Lithvania | 65- Amendola |
| 50- Polish United Workers' Party | 66- Ingrao |
| 5- Warsaw Regional Committee | 67- Osokia Workers' |
| 51- Namiotkiewiez | |
| 52- Politika | |
| 53- Communist League of Yugoslavia | |
| Italian Communist Party | |
| 54- Greuse | |
| 55- Georges Marche' | |

28- Soviet Publishing House for Political

50- Humanities

Literature "Politychna"

57- Mikoyan

40- K.I. Chruschovskiy

78- Shchegolev

41- Za Kuzbassom

Rankovich

نعیم گوجو : خبرنگار علمی انستیتوی مطالعات

Novotny

مارکسیست - لنینیستی کمیته

43- Unity

41- Guttinger

مرکزی حزب کارآلبانی

44- Roger

62- Stanev

45- Latin

63- Tolstoy

46- Izvest

درباره برخی مفاهیم ضد مارکسیستی

64- Long

47- Moscow News

65- Mendels

رویزیونیستهای خروشچی در رابطه با

48- Vinn

66- Inzao

شرکت زنان در کار تولید اجتماعی

49- Litvinov

67- Osoika

50- Polish United Workers' Party

5- Warsaw Regional Committee

51- Namorkiewicz

52- Politika

53- Communist League of Yugoslavia

Italian Communist Party

54- Tribune

55- Georges Marchais

در مشکل آزادی زنان به عنوان یک مشکل بزرگ اجتماعی، مابه دوخط مشی اساسی برمیخوریم، دواییده مخالف، ایده مارکسیست - لنینیستی واییده بورژوا - رویزیونیستی که همواره بایکدیگر در حال ستیزند.

مارکسیسم - لنینیسم آزادی زنان را بعنوان اساس مسئله زنان می داند. در حقیقت تنها طریقی که به تحقق این منظور منتهی میشود طریق برانداختن رژیم اجتماعی استثمار برای برقراری انقلاب بدون توقف، اشتغال دادن زنان در کارهای تولید اجتماعی و زندگی اجتماعی و سیاسی برای برقراری برابری کامل بین دو جنس در تمام موازین زندگی است.

مسئله عدم برابری بین زن و مرد را نمیتوان حتی از دید ایدئولوژیستها و جامعه شناسان رویزیونیست و بورژوانا دیدگاه گرفت. ولی، برعکس مارکسیست - لنینیست ها آنها مسأله آزادی زنان را از دید روشنگری* می بینند، بدون مطرح کردن مسئله برانداختن نظام اجتماعی اصولی که بر اساس ستم و استثمار انسان از انسان پایه گذاری شده داد سخن می دهند که آزادی زنان می تواند به اصطلاح در چهارچوب نظام استثماری سرمایه داری از طریق اصلاحات و نه از راه انقلاب بوسیالیستی بدست بیاید.

عقاید بورژوا روشنگرانه در مورد مسأله آزادی زنان و نیز درباره ایجاد برابری اجتماعی بین زن و مرد با سرعت روز افزونی در میان رویزیونیست های خروشچی پذیرفته میشود.

در خط مشی و سخنان ایشان این موضوع صریحا " با تظاهرات به اینکه میتوان آن را از طریق اصلاحاتی حتی تحت شرایط

* منظور عقایدی که در ابتدای تکوین سرمایه داری رواج داشت و به مکتب روشنگری معروف است و رویزیونیستها هنوز از همان دید استفاده می کنند. (مترجم)

سرمایه داری حل گرد مشاهده میشود و با در نظر گرفتن مسئله فقط از نقطه نظر احساسی و اخلاقی آن را از انقلاب سوسیالیستی و ساخت سوسیالیسم جدا مینمایند.

مانند دیگر مسائل، در مسئله زنان نیز رویونیستهای خروشچفی نکات اصولی مارکسیسم - لنینیسم را در رابطه مستقیم با احیای سرمایه داری رها ساخته اند. این عقاید و این خط مشی بطور وضوح در رابطه با مساله آزادی زنان و دقیقاً " با موضعی که در جهت شرکت ایشان در کار تولید اجتماعی برگزیده اند بیان میشود.

در اتحاد شوروی و در بقیه کشورهای رویونیستی تمایل ضد مارکسیستی روز افزونی در مورد دورنگهداشتن زنان از کارهای تولیدی و مقید کردن ایشان به کارهای منزل وجود دارد.

هفته نامه " ندلجا " " Nedelja " مورخ ۱۲ ماه مه ۱۹۶۸ تا کیدمی کند که بیشتر مردان بر این عقیده اند که زنان را از کارهای تولیدی باید خارج نمود. روزنامه مزبور متذکر گردید که " آنها بهتر است در منزل بمانند. " هفته نامه می افزاید: " در شرایط اقتصادی کنونی عاقلانه تر است که زنان را در منزل رها کنیم تا به نگهداری از فرزندان خویش بپردازند. "

این تمایل ضد مارکسیستی درباره مساله زنان از کجا سرچشمه گرفته است؟

رویونیستهای خروشچفی که کشورشان را در راه رشد سرمایه داری انداخته اند قادر به حل تضادهائی که در وضعیت زنان به عنوان کارگر، مادر و خانه دار وجود دارد نیستند. این است که تاکید بر خانه ماندن زنان داشته و آنان را به عدم شرکت در کارهای تولیدی ترغیب می نمایند. با توسل،

به عوامفریبی آنها سعی میکنند که این موضوع را به عنوان یک عقیده مارکسیست - لنینیستی قابل قبول در شرایط عینی جلوه دهند، و از طرفی دیگر سعی میکنند به عموم بقبولانند که آنها به اصطلاح فقط نگران سبک کردن کار زنان کارگر می باشند.

"دلائلی" را که رویزیونیستهای خروشچفی مطرح می کنند ثابت کنند که عقاید و مواضع آنان به اصطلاح مارکسیست - لنینیستی بوده و آنان برای سبک کردن کار زنان به عنوان کارگر، مادر و خانه دار مبارزه می کنند و زنان را از تولید اجتماعی کنار می کشند چه هستند؟

اول آنها سعی به موجه جلوه دادن خارج ساختن زنان از کارهای تولیدی دارند با توجه به این حقیقت که در حال حاضر جامعه نمی تواند اقتصاد خانگی را کلاً "سوسیالیستی" نماید. لاریزا کوزنکووا Larisa Kuznetsova در مقاله ای که در مجله لیتراتورنایا گازتا "Literaturny" ۲۸ فوریه ۱۹۶۸ چاپ شده است می نویسد: "جامعه فقط برای ۲۳٪ کودکان در کودستان ها و مهدکودک ها و سائیل آسایش فراهم کرده است در حالیکه اقتصاددانان تخمین زده اند که فقط ۱/۳۰ بار کارهای منزل از روی دوش زنان برداشته شده است."

بدین ترتیب برروایت رویزیونیست های خروشچفی از آنجائیکه اجتماع قادر به تبدیل اقتصاد خانگی به اقتصاد اجتماعی نیست و در هنگامی که سطح مادی و اقتصادی تمام خانواده ها به مقدار زیادی افزوده شده مساله اینکه زنان باید سهمی مطلقاً "ضروری" در تولید داشته باشند را دیگر نمیتوان مطرح کرد.

این دلائل که در نظر اول این دید را به انسان می‌دهند که اهمیت بخصوصی به زنان کارگرنشان داده شده است، متناقض میباشند، از یک طرف آنها تاکید می‌کنند که چنین جامعه ای بخاطر سطح توسعه اقتصادیش قادر نیست که پروسه سوسیالیستی کردن اقتصاد خانگی را انجام دهد و برتضاد در مورد موقعیت زنان به این دلیل غلبه کند و از طرفی دیگر تظاهرها می‌کنند که درآمد خانواده بسیار زیاد شده است.

اگر چنین است که این سؤال متعارف پیش می‌آید که: چرا جامعه قادر به سوسیالیستی کردن اقتصاد خانگی نیست؟ آیا این فقط یک عوام فریبی برای مخفی کردن مشکلاتی که پدید آمده اند و برای موجه جلوه دادن معافیت از کار زنان آن طبقه بورژوا شده و ممتاز از جامعه که در حال حاضر در تولید اجتماعی شرکت نمی‌نمایند و یک زندگی نمونیه بورژوازی را میگذرانند نیست؟

دوم، رویزیونیست‌های خروشچی با موعظه درباره اینکه کار منزل همان احترام کار تولیدی را سزاوار است سعی در قانع نمودن زنان دارند. ولی این موعظه‌ها نیز وجوه مشترکی با مارکسیسم - لنینیسم در بر ندارد. مسلماً "کار منزل که همیشه احتیاجات حیاتی بشر را تأمین کرده است سزاوار احترام است. ولی این احترام نباید چنانکه رویزیونیست‌ها آن را مخدوش میکنند با نقشی که کار تولیدی و کار منزل در پیشرفت همه جانبه انسان بطور عموم وزن بخصوص بازی می‌کنند اشتباه شود.

لنین تاکید نموده است که "اقتصاد خانوادگی در بیشتر

موارد بی‌حاصل‌ترین، خشن‌ترین و شاق‌ترین

کاری است که زنان انجام می‌دهند. اینکارها

جزئیات فوق العاده انجام میشود و در حقیقت بخودی خود در برگیرنده هیچ چیز که کما بیش کمکی در پیشرفت زنان بنماید ندارد. در این صورت چگونه نقش مهم کار تولید اجتماعی و کار منزل میتوانند برابر در نظر گرفته شوند، وقتی که این مسئله تحقق آزادی کامل زنان، تاء مین آزادیشان با مردان و پیشرفت همه جانبه آنها باشد؟*

سوم، رویونیست های خروشچی میگویند که کار اصلی زن داشتن فرزند و نگا هداری از خودش است زیرا زن موجود ظریفی است، سمبلی از زیبایی که به عنوان یک "زینت" برای مرد و بر آوردن حواشهای او مقرر شده است. در رابطه با چنین برداشتی از مسئله زنان، ی. ام کیچه مووا، کاندید-ای علوم فلسفی نوشت که:

" زن در حال حاضر فقط یک کارگرو یا یک فرد فعال اجتماعی نیست. او یک خانه دار، یک مادر و همینطور یک زن است. همراه با بقیه چیزها باید گفت که شوهر هنگامی که همسرش از کار بازمی گردد نسبت به حالات او بی تفاوت نیست، آیا او را بشاش، سرزنده، سر حال و یا ساکت و ترش رو و خسته مییابد؟ این اساس عقیده ای - است که اغلب توسط مردها بیان میشود، که برای خانواده بهتر است که زن فقط کمی کار کند یا اصلاً کار نکند. **"

* مجموعه آثار و. ی. لنین جلد ۳ صفحه ۴۲۰ چاپ روسی .
** "ندلیا" " Nedel'ya " مقاله زن و کار " ۱۲ ماه مه ۱۹۶۸ ص ۲۹

همانطور که میشود دید از یک طرف با عقاید بورژوازی طرف هستیم که به زن به چشم یک عامل تولد که می تواند بقاء نسل را ادامه دهد نگاه میکند و از طرف دیگر با " مخلوق تجمیل برای مرد .

چهارم ، رویونیست های خوشچینی موضوع معافیت زنان از کارهای تولیدی را با این حقیقت که اقتصاد شوروی دیگر احتیاجی به نیروی تولیدی زنان ندارد ربط میدهند . در رابطه با این موضوع مجله " ندلیا " در یک گزارش که اظهار نظرهای یک شرکت کننده در مصاحبه ای را که از طرف هیئت تحریریه تشکیل یافته بود تاکید میکند : " همانطوریکه دیده میشود در طول دهه اول ، کشورمان نیازمند شرکت زنان در تولید بود . هر چند امروزه این احتیاج دیگر وجود ندارد . " (همانجا)

برخورد کردن با مسائل زنان از این طریق ضدمارکسیستی است . این یک موضع غیر علمی است که مساله زنان را از روزنامه باریک اکونومیسم و از احتیاجات خانواده برای تاء مین معاش مینگرد . بدین ترتیب رویونیستهای خوشچینی شرکت زنان در تولید را فقط از زاویه منافع اقتصادی نگریسته آنرا مبتذل کرده و اهمیت اجتماعی را که در آزادی کامل زنان و ایجاد برابری اجتماعی بین زن و مرد دارند نمیبیند . تمام این نظرات چیزی در بر ندارند مگر بیان منافع و بازتاب عقاید قشر روشن فکران بورژوا شده و اشرافیت کاریگری شهر و روستا را که در اتحاد شوروی توسط رویونیستهای خوشچینی بوجود آمده و از روندا حیات سرمایه داری حمایت می کنند .

این عقاید رویونیستهای خوشچینی درباره مسئله

زنان نمونه عقاید بورژوازی هستند آنها هیچ وجه مشترک با منافع توده های عظیم زنان کارگر و دهقان ندارند، آنها هیچ وجه مشترکی با تعلیمات مارکسیسم - لنینیسم که مسئله آزادی کامل زن و برابری کامل او را با مرد به عنوان یک مسأله بنیانی انقلاب سوسیالیستی و ساخت سوسیالیسم و کمونیسم در نظر میگیرند ندارند.

برخلاف نظریات رویزیونیستهای خروشچفی مارکسیسم - لنینیسم به ما میآموزد که پس از برانداختن پایه های نظام استثمار و ایجاد دیکتاتور پرولتاریا، عامل قطعی برای آزادی زنان، برای ازدیاد نقش او در جامعه و برای ایجاد برابری واقعی بین مرد و زن، کار او، شرکت عظیم توده های زنان در تولید اجتماعی و در فعالیت های اجتماعی و سیاسی است.

آثار کلاسیک مارکسیسم - لنینیسم شرکت زنان در کار تولید اجتماعی را تنها راه رهایی آنان میدانند. در رابطه با این موضوع انگلس مینویسد:

"... آزادی زن و برابری او با مرد غیر ممکن است و تا هنگامی که او خود را جدا از کارهای تولیدی اجتماعی نگاه داشته و به کارهای خصوصی منزل محدود مینماید نیز چنین باقی خواهد ماند. آزادی برای زنان تنها هنگامی بدست میآید که آنها در یک مقیاس وسیع و در یک مقیاس اجتماعی در تولید شرکت نموده و تنها قسمتی از وقت خود را به کارهای منزل اختصاص دهند"*

* ف - انگلس "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت".

آثار منتخب جلد دوم - صفحه ۲۹۳ چاپ آلبانی.

درباره همین مساله لنين تاكيد ميكند كه :
" براي بدست آوردن آزادي كامل زنان و برابري
كامل اوبامرد ، اقتصاد اجتماعي و شركت
زنان دركارتوليدي مشترك با مردان امري
مطلقا " ضروريست . " *

بدین ترتیب ما فقط هنگامی می توانیم آزادی زنان
را بدست بیاوریم که حداکثر سعی ما را در به حرکت درآوردن -
آنها برای کار در تولید بنمائیم . آن وقت است که ما به
یک مبارزه جدی و مداوم بدون بازگشت در مقابل مشکلات دست
زده ایم که بتوانیم شرایط لازم را از طریق سوسیالیستی
کردن اقتصاد خانوادگی و یا از طرق دیگر که کارهای سنگین
زنان را به عنوان مادر و خانه دار آسان مینماید ایجاد نمائیم .
در مقام مخالفت با موعظه های عوام فریبانه
رویزیونیستهای خروشچی و دریک نبرد آشکار با آنها حزب کار
آلبانی و رفیق " انور خوجه " توجه و دقت بخصوصی به
مساله شرکت زنان در کارتولیدی اجتماعي و فعالیتهاي
سیاسي و اجتماعي کرده است . با توجه به این عامل " کار "
به عنوان یک عامل تعیین کننده در آزادی زنان رفیق انور
خوجه تاكيد کرده است که :

" اگر ما بر روی این عامل تکیه نکنیم ، اگر
بگذاریم که سست شود آنوقت آزادی ابتکار
و برابری زنان با مردان در زندگی در اجتماع
و در خانواده نیز ، به همان صورت سست
خواهد شد . آنها تحت سلطه قوانین خانوادده پدر -

* نوشته های و . لنين جلد ۳۹ صفحه ۲۰۱ چاپ روسی .

سالاری و باقی‌مانده آن در آگاهی مردم که هنوز
زنده است ، باقی خواهد ماند. * "

* انورخوجه - بحث بر روی برخی مسائل اساسی در مورد
بخش لوشینجا " Lushnja " در یادداشت‌های کمیته مرکزی
حزب کارآلبانی (۱۴ مارس ۱۹۶۶)
(۱) - هفته نامه خبری " ندلجا " " Nedelja " مقاله
" زن و کار " صفحه ۲۰ ، ۱۲ ماه مه ۱۹۶۸

تاکنون منتشر شده است :

۱- دربارهٔ تشکیلات - استالین

۲- خصیت سرمایه داری روابط تولیدی در اتحاد شوروی - آبنی امروز

۳- وظائف دانشگاه کمونیستی زخمکشان شرق ... - استالین

۴- سیستم خودمختاری (خودمختاری کارگری) در یوگسلاوی - آبنی امروز

۵- لنین ، علیه سوسیال امپریالیسم .

۶- لنین : دربارهٔ مسئلهٔ خلقها .

قیمت ۲۰ ریال

دیجیتال کننده : نینا پویان